

تطور تاریخی و عقیدتی سلسله علاویه

مرتضی خسروشاهی*

رضا جلیلی**

◀ چکیده

علاویه عنوان یکی از سلاسل صوفیه شمال آفریقا است که شیخ احمد العلاوی (۱۲۸۶-۱۳۵۳ق/ ۱۸۶۹-۱۹۳۴م) آن را پس از مرگ استادش بوزیدی بنا نهاد. این سلسله یکی از معروف‌ترین انشعابات طریقت درقاویه شاذلیه است و با تلاش مشایخ و بزرگان خود همچون احمد العلاوی (مؤسس طریقت) شیخ عدّه بن تونس، شیخ محمد المهدی بن تونس، خالد بن تونس و نیز انتشار ده‌ها جلد کتاب و مجله، توانسته است در مناطق مختلفی از جهان رواج پیدا کند. احمد العلاوی طریقت خویش را بر اموری چون تبعیت از کتاب و سنت، سیره خلفای راشدین، تهذیب نفس، آزادی از قیودات شیطان و نیز توجه به عشق، محبت و صداقت در سلوک عرفانی پایه‌گذاری کرد. از مهم‌ترین انشعابات علاویه می‌توان به طریقت مریمیه اشاره کرد که با وفات شیخ احمد العلاوی در سال ۱۳۵۳ق/ ۱۹۳۴م توسط فریتویف شوآن پایه‌گذاری شد. همچنین باید طریقت علاویه و مریمیه را دو جریان جدایی‌طلب از اصل سلسله شاذلیه دانست؛ چراکه به‌رغم وجود ایرادات موجود در وصایت اجازه ارشاد از ناحیه مشایخ ایشان، دست به تأسیس طریقتی جدید زده و از اصول قطعی سلسله عبور کرده‌اند، که در این میان دو مسئله وصایت معنوی و عدم پایبندی به شریعت بیشترین سهم را در این باره به خود اختصاص داده است.

◀ **کلیدواژه‌ها:** تصوف، طریقت، شاذلیه، احمد العلاوی، علاویه، مریمیه.

* معاون پژوهشی حوزه بین‌المللی آل‌البیت (ع) (نویسنده مسئول) / hay110@mailfa.com

** دانشجوی دکتری تصوف و عرفان اسلامی / rezajalili@chmail.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۳

۱. مقدمه

امروزه تصوف را می‌توان یکی از مهم‌ترین جریان‌های دینی در آفریقا دانست که با ورود خود در قرن پنجم هجری به این سرزمین، اتفاقات فراوانی را به همراه داشت. رواج اسلام، عهده‌داری تربیت و تعلّم دینی، مبارزه و تقابل با استعمارگران و متجاوزین و برگزاری جلسات ذکر، دعا و موعظه از اساسی‌ترین کاربردهای زوایای صوفیه در آن دیار به شمار می‌آید. طریقت‌هایی چون قادریه، شاذلیه و تیجانیه از میان دیگر طرق صوفیه آفریقا از پیروان بیشتری برخوردار بوده و نقش افزون‌تری را در این باره ایفا کرده‌اند.

طریقت شاذلیه به‌عنوان یکی از طرق صوفیه آفریقا، جمعیتی بالغ بر یک‌سوم صوفیان جهان اسلام را به خود اختصاص داده و در کمتر منطقه‌ای است که اثری از انشعابات این طریقت وجود نداشته باشد. پایه‌گذار طریقت شاذلیه، ابوالحسن علی بن عبدالله شاذلی است که در اسکندریه مصر ساکن شد. با آنکه در همان هنگام برخی از فقها به مقابله با او برخاستند، اعتدال طریقه او از مخالفت فقها کاست و وی با اقبال گسترده مردمی روبه‌رو شد. مقبولیت شاذلیه شاید به‌سبب انعطاف‌پذیری و نداشتن ساختاری تشکیلاتی بود که به آن اجازه می‌داد خود را با شرایط مختلف، عقاید و آداب قشرهای گسترده‌تری از مردم در مناطق مختلف هماهنگ سازد. این طریقه با آسایش مادی مخالفتی نداشت و در آن، داشتن ثروت مانع از حضور در جمع فقرا نمی‌شد. شاذلی پیروانش را به کار و کسب و تحصیل علوم ظاهری تشویق می‌کرد. آراستگی ظاهری نیز از نظر او مانعی نداشت و او خود جامه فاخر می‌پوشید و بر مرکب نیکو می‌نشست. شاید همین ویژگی‌ها سبب شد که در دوره معاصر، صوفیان اصلاح‌گرا بیشتر به این طریقه روی آوردند (باقر، بی‌تا: ج ۱۵، ۵۹۷۵).

از مهم‌ترین فروع طریقت شاذلیه درقاویه، شاخه مراکشی شاذلیه است که توسط صوفی صاحب‌تألفی به نام شیخ عربی درقاوی شکل گرفت. او ابتدا نزد ابوالحسن عمرانی (جمل) سلوک کرد و سپس طریقه‌ای مبتنی بر زهد و عبادت در کنار کار و

کسب، همراه با مطالعه آثار تصوف بنا نهاد که طریقت علاویه از جمله فروع مهم و تأثیرگذار این طریقت، در عصر حاضر است و مشایخ آن توانسته‌اند علاوه بر آفریقا به ترویج و نشر آن در غرب نیز پردازند (ابراهیم، بی‌تا: ج ۱۵، ۵۹۷۵). این طریقت در الجزایر، مغرب، تونس، سوریه، یمن، انگلیس، فرانسه و فلسطین دارای زوایایی (خانقاه) است که هریک به تعلیم و تربیت مریدان مشغول‌اند. از مهم‌ترین انشعابات این طریقت نیز می‌توان به طریقت مریمیه اشاره کرد که «شوان» بنا نهاد و در ایران نیز از طرفدارانی برخوردار است.

علاویه و مریمیه گرچه در جریان‌شناسی تصوف اهل سنت از فروع سلسله شاذلیه محسوب می‌شود، ایرادات متعددی نیز متوجه آن‌ها شده است. بر اساس مطالعات صورت‌گرفته در منابع این طریقت بیشتر این اشکالات در کرسی‌نامه طریقتی این دو انشعاب است که وصایت معنوی آن‌ها را با مشایخ طریقتی شاذلیه مخدوش کرده است.

شایان ذکر است که در منابع فارسی کمتر نوشته‌ای در مورد طریقت علاویه وجود دارد و باید گفت نویسنده کتاب *شاذلیه؛ تاریخ و عقاید* تنها کسی است که به معرفی این سلسله پرداخته و از آن به‌عنوان یکی از فروع سلسله شاذلیه نام برده است. درباره مریمیه نیز باید گفت امروزه این سلسله با کتب و آثار سید حسین نصر شناخته می‌شود که نویسنده بیشتر به اندیشه‌های عرفانی مؤسس آن پرداخته است. همچنین کتاب *مریمیه؛ از فریتیف شوان تا سید حسین نصر* یکی دیگر از کتاب‌هایی است که به معرفی مریمیه پرداخته و نقدهایی را نیز در بر داشته است که از جمله آن می‌توان به مقاله «تأملی در ستیز سجویک با فراهش» نوشته یوسفعلی میرشکاک در مجله *سوره اندیشه* اشاره کرد؛ لیکن آنچه نوشته پیش رو را متمایز از پیشینه پژوهشی آن می‌کند آن است که در هیچ‌یک از آثار یادشده توجهی به پیشینه تاریخی و عقاید صوفیانه سلسله مریمیه نشده و کمتر کسی است که این طریقت را از فروع و انشعابات سلسله علاویه و شاذلیه بداند. در نوشته‌های سید حسین نصر، مریمیه با اندیشه‌های فلسفی و

به خصوص حکمت خالده معرفی می‌شود و عبدالله شهبازی نیز در نقد مریمیه کمتر اشاره‌ای به جهات تاریخی و عقاید مریمیه دارد. نقد این کتاب نیز از سوی یوسفعلی میرشکاک، ناظر به جهات اجتماعی و نفی آثار سلبی عقاید این طایفه در جامعه دارد که فاقد جهت مذکور است.

بنابراین نویسنده این تحقیق بر آن است که گرچه مریمیه امروزه در شیعه پیروانی دارد، پیشینه آن را باید در سلاسل صوفیه اهل سنت و سلسله علاویه که خود از انشعابات سلسله شاذلیه است جست‌وجو کرد. بر این اساس تحقیق پیش رو بر آن شده است تا به سیر تطور تاریخی طریقت علاویه و معرفی مهم‌ترین انشعاب آن یعنی «مریمیه» پردازد.

۲. طریقت علاویه

احمد بن سیدی مصطفی العلوی فرزند حاج علی ملقب به «علیوة» مؤسس طریقت علاویه است. وی در ۲۸۶۱ق مصادف با ۱۸۶۹م در مستغانم دیده به جهان گشود (شیخ عدة بن تونس، بی تا: ۱۹). خانواده او اهل علم و پدرش به سبب تولی منصب قضا از الجزایر هجرت کرده و در مستغانم سکنی گزیده بود. احمد العلوی در زندگی نامه‌ای که پس از وفات خود بر جای گذاشت، می‌نویسد: من هیچ‌گاه به صورت رسمی به مکتب و درس نرفتم و فقط قرآن را تا سوره «الرحمن» نزد پدر فراگرفتم. پدرم در شانزده سالگی ام از دنیا رفت و مادرم را نیز در سن ۴۶ سالگی از دست دادم. در همان دوران نوجوانی بودم که با اصرار زیاد در مجالس ذکر و درس شرکت کردم (همان: ۲۱). شیخ احمد العلوی برای اولین بار به واسطه یکی از مشایخ عیساوویه^۱ با تصوف آشنا شد، ولی مدعی است که بیشترین تأثیر را از شیخ و استادش «محمد البوزیدی» پذیرفت. وی پانزده سال او را خدمت کرد و پس از وفات او بر جنازه اش نماز گذارد. علاوی ارتباط خود با بوزیدی را این‌گونه توصیف می‌کند:

نسبی من جهة بدنی للقبيلة العلاوية والاتصال الروحاني بالحضرة البوزيدية
(www.sheikhkhalaf.com)

پس از وفات بوزیدی، از آنجا که او برای خود جانشینی معرفی نکرده و این امر را

به خدا واگذار کرده بود، بر سر جانشینی ایشان اختلاف شد که به پیشنهاد محمد عوده بن سلیمان (یکی از مشایخ علاویه) تصمیم بر آن شد که در هفته آتی جلسه‌ای با عنوان تعیین خلافت شیخ بوزیدی تشکیل شود و فقرای (مشایخ) سلسله منامات خود در این باره را بازگو کنند. سرانجام نیز در جلسه‌ای که برای تعیین جانشینی بوزیدی شکل گرفت، پس از بیان دیدگاه‌ها و منامات مشایخ طریقت، رؤیای شیخ احمد العلاوی به وقوع پیوست و به مقام خلافت نائل شد (لاشیء، بی تا: ج ۴، ۳۲۹). علاوی رؤیای خود را این گونه بیان کرده است: «رأیت (احمد العلاوی) النبی صلی الله علیه وسلم فی المنام قال له الم تعلم لأی شیء جئتک؟ قال لا أدری یا رسول الله فقال له النبی صلی الله علیه وسلم: ان سلطان المشرق قد توفی وستکون انت ان شاء الله بدله فما تقول؟ فقال اذا تولیت ذلک المنصب فمن ذا الذی ینصرنی؟ ومن ذا الذی یتبعنی؟ فاجاب علیه النبی صلی الله علیه وسلم انا معک وانا انصرک ثم سکت وبعد هنيهة انصرف رسول الله صلی الله علیه وسلم» (شیخ عده بن تونس، بی تا: ۱۳۰).

همچنین شیخ احمد العلاوی مکالمه خود با نبی اکرم (ص) را این چنین به نظم کشیده، می گوید:

قلنا الاذن سابقا والیوم بنشر ماخفی عن العوام
 من رسول الله کان یاقوم اذ قال لی بشراک یاغلام
 قد جعلناک ینبوعا للحکمة انت الامیر واثت الهمام
 فقلت یا مولای فلا ندم ضعف عزمی فی هذا المقام
 فقال لی سقیناک لا نظماً ایدناک فلا تخش ملام
 قول الحیب لم یترک لی وهما علیه الصلاة والسلام

(www.sheikhkhalaf.com)

وی پیش از این ادعا داشت که این بشارت را از ناحیه علی (ع) شنیده است و در این باره می گفت: «شبی در خواب علی (ع) را دیدم که به من فرمود بدان که من علی هستم و طریقه تو هم علوی است» (لینگز، ۱۳۶۰: ۸۸).

وی سرانجام در سال ۱۳۵۳ق/ ۱۹۳۴م وفات کرد و در شهر مستغانم الجزایر به

خاک سپرده شد. امروزه نیز آرامگاه او محل تجمع و زیارت صوفیان به شمار می‌آید. بر این اساس تنها استناد احمد العلاوی بر جانشینی و نیز تأسیس طریقتی مستقل از استاد خود، یعنی «محمد بن الحبيب البوزیدی» به رؤیایی است که او را مأمور به آن کرده است. از جهتی نیز عدم تعیین جانشین از سوی بوزیدی برای اداره سلسله شاذلیه مسئله مبهمی است و احتمال آن می‌رود که او کسی را پس از خود مستحق این امر نمی‌دانست و بدین سبب برخلاف سیره مشایخ طریقت، موضوع خلافت را مسکوت گذاشت. بنابراین اجماع غیرمحقق مشایخ علاویه در تعیین شیخ طریقت امری غیرمعارف و عدول از طریقت شاذلیه درقاویه و تأسیس طریقت علاویه خالی از اشکال نیست.

۳. نسبت صوفیانه شیخ احمد علوی

از جهت معنوی و بُعد سلسله‌ای، شیخ احمد علوی و نیز طریقت علاویه را باید از انشعابات طریقت شاذلیه درقاویه دانست. بنابراین وی شاگرد طریقتی محمد بن الحبيب البوزیدی و او سلسله خود را از محمد بن قدور الوکیلی عن محمد بن عبدالقادر الباشا و ابی یعزى المهاجی عن مولای العربی بن احمد الدرقاوی عن سیدی العربی بن عبدالله عن سیدی احمد بن عبدالله عن سیدی قاسم الخصاصی عن سیدی محمد بن عبدالله عن عبد الرحمن الفاسی، عن یوسف الفاسی، عن سیدی عبدالرحمن المجذوب، عن سیدی علی الصنهاجی، عن سیدی ابراهیم الفحام، عن سیدی احمد زروق، عن سیدی احمد الحضرمی، عن سیدی یحیی القادری، عن سیدی علی بن وفا، عن ابیه سیدی محمد وفا، عن سیدی داود الباخلی، عن سیدی احمد بن عن سیدی ابوالعباس المرسی، عن سیدی ابی الحسن الشاذلی، عن سیدی عبدالسلام بن مشیش، عن سیدی عبدالرحمن العطار الزیات، عن سیدی تقی الدین الفقیر، بالتصغیر فیها عن سیدی فخر الدین، عن سیدی نورالدین أبی الحسن علی، سیدی محمد تاج الدین، عن سیدی محمد شمس الدین، عن سیدی زین الدین القزوینی، عن سیدی، ابراهیم البصری، عن سیدی احمد المروانی، عن سیدی سعید، عن سیدی سعد، عن سیدی فتح السعود،

عن سیدی سعید الغزوانی، عن سیدی محمد بن جابر، عن سیدی الحسن بن علی، عن سیدنا علی بن ابی طالب، رضی الله عنه و کرم وجهه، عن سید المرسلین سیدنا و مولانا محمد بن عبدالله علیه افضل الصلاة و ازکی التسلیم (قادری، بی تا: ۱۷).

۴. کتب و آثار سلسله علویه

از مشایخ و بزرگان سلسله علویه، آثار و کتب متعددی در زمینه‌های مختلف سلوکی و تربیتی، فقهی و نیز تفسیر قرآن، بر جای مانده است که در اینجا به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

آثار و نوشته‌های شیخ احمد علوی عبارت‌اند از: *مفتاح الشهود فی مظاهر الوجود*، *تفسیر القرآن*؛ این تفسیر تا آیه ۴۰ سوره بقره بوده و برای هر آیه چهار تفسیر ارائه شده است. *القول المقبول فیما تتوصل الیه المعقول* (۱۹۱۳م)، *لباب العلم فی سورة النجم*؛ این تفسیر در سال ۱۹۱۵م نوشته شد. *دوحة الاسرار فی معنی الصلاة علی النبی المختار* (۱۹۱۷م)، *المنح القدوسیه فی شرح المرشد المعین بطریق الصوفیه*، *نور الأئمة فی سنة وضع الید علی الید* که در موضوع فقه نوشته شده است، *القول المعروف فی الرد علی من انکر التصوف*، *مبادئ التأيید فی بعض ما یحتاج الیه المرید* (۱۹۲۶م)، *الأنموذج الفرید المشیر لخالص التوحید*، *البحر المسجور فی تفسیر القرآن بمحض النور*، *المواد الغیثیه الناشئة عن حکم الغوثیه* (۱۹۱۰م)، *دیوان أشعار الشیخ*، *الله: القول المعتمد فی مشروعیه الذکر بالاسم المنفرد* (۱۹۲۷م) و *رسالة الناصر معروف فی الذب عن مجد التصوف* (۱۹۲۷م) (نک: لینگز، ۱۹۷۳م: ۲۲۰-۲۲۲).

آثار و نوشته‌های شیخ عدده بن تونس المستغانمی (وی یکی از مشایخ بنام طریقت علویه است) عبارت‌اند از: *فک العقال عن تصرف الافعال* (چاپ مکتبه العلویه مستغانم، ۱۳۶۸ق)، *من اعلام الاصلاح الدینی*، *الشیخ العلامة عدده بن تونس المستغانمی* (تألیف استاد عوض الله بن حسن مصطفی البحیسی، چاپ مکتبه العلویه مستغانم، ۱۹۹۵م)، *مجالس التذکیر فی تهذیب الروح و تزکیة الضمیر* (چاپ مکتبه العلویه مستغانم، ۱۹۸۲م)، *غایة الذاکرین من غوایة الغافلین* (چاپ مکتبه العلویه مستغانم،

۱۹۹۱م) و الروضة السننية فى مآثر العلاویه (چاپ مكتبة العلوية مستغانم).

آثار و كتب شيخ محمد المهدي بن تونس عبارات اند از: *مواظع اهل الرساد فى خطب الجمع و الاعياد* (چاپ جمعية الشيخ العلاوى للتربية و الثقافة الصوفية، الجزائر، ۲۰۰۹م) و *القول المجدى من كلام سيد محمد المهدي* (چاپ جمعية الشيخ العلاوى للتربية و الثقافة الصوفية، الجزائر، ۲۰۰۹م).

نوشته‌ها و آثار شيخ خالد بن تونس عبارات اند از: *علاج النفوس* (۲۰۱۰م)، *التصوف قطب الاسلام* (دار الجيل مؤسسه الف، پاریس، ۲۰۰۵م)، *تاريخ التصوف* (۱۹۰۹- ۲۰۰۹م)، *Vivre l'Islam* (۲۰۰۹م)، *Le soufisme cœur de l'Islam* (۲۰۰۹م)، *L'homme intérieur à la lumière du Coran* (۲۰۰۹م)، *La fraternité en héritage* (۲۰۰۹م)، *La fraternité des cœurs* (۲۰۱۰م) - *Histoire d'une confrérie soufie* و مجلهٔ *بلاغ*؛ این مجله در تاریخ هفدهم جمادى الثانى سال ۱۳۴۵ هجرى در الجزائر با هدف دعوت به کتاب و سنت و تعظیم شعایر الهی و اصلاح جامعه منتشر شد (شيخ عدة بن تونس، بی تا: ۷۶-۸۸).

۵. تعالیم طریقت علاویه

شيخ احمد العلاوى طریقت خود را بر پایهٔ کتاب و سنت، سیره و روش خلف صالح از تابعین و نیز اجماع علمای مسلمین بنا نهاد. وی هدف خود از این عمل را تهذیب و تربیت نفوس و آزادی آن‌ها از قیودات شیطان و هوای نفس معرفی کرد و عشق و محبت، صداقت، امثال اوامر طریقتی، قصد و عزیمت را از ارکان علاویه دانست (نک: العلاوى، ۱۸۶۹-۱۹۳۴م: ۳۶۸-۳۸۹). علاوى همچنین در بیان غایت سلوک در طریقت علاویه به مسئلهٔ احسان اشاره کرده و مشاهدهٔ حق را تحقق این مقام می‌داند و این‌گونه می‌گوید: «غایة الطریقة تحقیق الرکن الثالث من ارکان الدین؛ ای الاحسان (ان تعبد الله كأنک تراه فان لم تکن تراه فانه یراک) عند ابناء الطریقة المنتسب الیه، فمن کان له حظ من الاحسان فهو فی الطریقة بحسب حظه و من لم یکن محسنا فلا حظ له فی الطریقة.»

۱-۵. آداب طریقتی علاویه

حفظ ادب و احترام در سه ساحتِ خود، دیگران و مشایخ طریقت، در طریقت علاویه امری ضروری است و مرید باید همواره بکوشد تا خویشتن را متخلق به آن سازد. در کتاب *المنح القدوسیه فی شرح المرشد المعین بطریق الصوفیه* این آداب و رسوم این‌گونه آمده است:

الف. آداب شخصی مرید: مشغول ذکر خدا باشد؛ از مصاحبت اهل گناه بپرهیزد؛ حبّ دنیا را از خود دور ساخته، حبّ خدا و رسولش را در دل پیروانند؛ با وضو بخوابد و دائم الوضو باشد؛ چشم طمع به دیگری نداشته باشد؛ مجاهدت و محاسبه نفس داشته باشد؛ از لغوگویی بپرهیزد و نفی خواطر کند که این دو موجب کشف اسرار می‌شود؛ با برادران خود مجالست کرده، در امر دین و دنیا سخن بگوید؛ از سخن در امور مردم و دنیا پرهیز کند؛ مزاح را ترک کند که این امر قلب را می‌میراند و ظلمت را به همراه می‌آورد. رسول خدا در این‌باره فرمودند: «لاتمار اخاک ولاتمازحه...» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ق: ج ۱، ۱۹۰)؛ به پیروی از رسول خدا(ص) که تبسم می‌نمود، از قهقهه زدن پرهیز کند؛ نفس خود را عادت دهد که قبل از سیری دست از طعام بازدارد چراکه رسول خدا فرمود: «بحسب ابن آدم لقیمات یقمن صلبه وان کان لابد فاعلا فتلت لطعامه وثلث لشرابه وثلث لنفسه» (مستغفری، ۱۳۸۵ق: ۵)؛ حبّ جاه و ریاست دنیا و عزت آن را از قلب دور کند، که مانع سلوک است؛ از بازگو کردن اسرار و آنچه در خواب و بیداری دیده است بپرهیزد مگر نزد شیخ خود.

ب. آداب مرید با دیگر افراد سلسله: آنچه می‌پسندد برای او هم بیسندد و آنچه برای خود نمی‌پسندد برایش مکروه بداند؛ در سلام و تحیت به او سبقت گیرد؛ او را دوست بدارد و خیر او را در نظر گیرد؛ بزرگان را احترام و کوچکان را ترخّم کند؛ او را در تقوا و محبت الهی و نیز طاعت خداوند یاری دهد؛ از خطای آن‌ها چشم‌پوشی کرده، مؤاخذه نکند؛ در صورت مشاهده خطا، آن‌ها را ارشاد یا تعلیم کند؛ خدمتشان کند ولو به بخشیدن کفش برای پوشیدن؛ او را یاری دهد و نصیحت سازد؛ اگر از او

عیبی دید مهجورش نسازد چراکه مؤمنان آیینۀ یکدیگرند؛ عذرش را بپذیرد گرچه کاذب باشد و عییش را ببوشاند چراکه رسول الله (ص) فرمودند: «من ستر عورة اخیه ستر الله عورته ومن كشف عورة اخیه كشف الله عورته» (ابن ماجه، بی تا: حدیث ۲۵۵۵۳۳۳۸).

ج. آداب مرید در مقابل پیر و مرشد: اینکه او را بزرگ دارد و در ظاهر و باطن بزرگش بدارد و نیز اعتراض بر او روا مدارد؛ بر او سلام کرده و هرگز از دستورش سرپیچی نکند چراکه هرگز رستگار نمی شود؛ او را بر دیگران مقدم سازد؛ اینکه راضی، منقاد و تسلیم اوامر او بوده و از تأویل و اهمال بپرهیزد؛ از غیبت او در حضور و غیبتش بپرهیزد؛ او را در قلب حفظ کند تا لذت اقتدا به رسول الله برایش تداعی شود؛ اینکه برکات زندگی اش را از او دانسته و در امر دین و دنیا و عبادت وی تجسس نکند؛ همیشه به او حسن ظن داشته، محبتش را بر دیگران مقدم سازد تا محبت الهی نصیبش شود؛ با دشمن او معاشرت نکند؛ دوست دارد آنکه را او دوست می دارد و در این امر حسادت نورزد؛ در جای و مکان شیخ خود جلوس نکند؛ در امور مهم زندگی چون مسافرت، ازدواج و... با او مشورت کند؛ در تمامی امور تسلیم او باشد (نک: العلاوی، ۱۸۶۹-۱۹۳۴م: ۳۸۳-۳۸۴).

۲-۵. اذکار و دعاهای علاویه

شیخ احمد علاوی در کتاب *مبادئ التأييد* در باب «بیان ما یجب من الأذکار علی المکلف» اذکار و اورادی را برای مرید و مکلف لازم می داند. وی معتقد است که اتیان «اذکار و اوراد ده گانه طریقتی» از ضروریات بوده و بر مرید لازم است؛ گرچه یک بار در عمر خود آن ها را انجام دهد. این اوراد و اذکار عبارت اند از: استعاذه، بسمله، صلوات بر نبی اکرم و سلام بر و تحیت بر ایشان، استغفار، سبحان الله، الحمد لله، الله اکبر، لا اله الا الله، لاحول و لا قوة الا بالله العلی العظیم (العلوی، بی تا: ج ۱، ۱۶).

شیخ احمد العلوی پس از بیان این اذکار ده گانه به شرح آن ها پرداخته، این چنین می نویسد: «اما معنی استعاذه پناه بردن به خدا از کید شیطان است. و مراد از بسمله ذکر

بسم الله الرحمن الرحيم است و معنایش تبرک به اسم خدای تعالی در افعال است. و معنی صلاة بر نبی اکرم طلب رحمت به همراه تعظیم برای سید ما محمد(ص) است. و معنی استغفار طلب مسامحه و گذشت از خداوند است در مقابل گناهان. منظور از تسبیح تنزیه حق تعالی است و در هنگام گفتن سبحان الله؛ گویی گفته می شود خداوند عاری از هر عیبی است. منظور از الحمد لله ثنا و تمجید الهی و اعتراف به زیبایی اوست. منظور از تکبیر بزرگی و عظمت اهلی است. معنی لا اله الا الله این است که هیچ معبودی غیر خدا نیست و «لا خالق الا الله». معنی مقصود لا قوة الا بالله العلی العظيم این است که «لا حول لی عن المعصية و لا قوة لی علی الطاعة الا بالله یا اینکه لا حركة و لا سکون الا بالله» (العلاوی، بی تا: ۱۶-۱۸). وی همچنین در مناجات نامه خود مجموعه ای از اذکار و ادعیه را برشمرده و به شرح آن می پردازد (نک: العلووی، بی تا: ۴۴-۱).

به این ترتیب اوراد عام طریقت علاویه از قرار زیر بوده و بر مرید لازم است پس از قرائت نماز صبح و نماز مغرب به خواندن این اوراد مشغول شود.

اول سوره واقعه به صورت کامل یک مرتبه خوانده شود؛ سپس سه مرتبه گفته شود: «اللهم یا من جعلت الصلاة علی النبی من القربات نتقرب الیک بكل صلاة صلیت علیه من اول النشأة الی ما لا نهاییة للکمالات»؛ سپس یک مرتبه گفته شود: «سبحان ربک رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین»؛ پس از آن سوره مبارکه فاتحه برای شیوخ طریقت خوانده شود؛ سپس یک مرتبه گفته شود «اعوذ بالله السميع العلیم من الشیطان الرجیم» و سه مرتبه گفته شود: «بسم الله الرحمن الرحیم»؛ یک مرتبه خوانده شود قول خداوند که فرمود: «وما تقدموا لانفسکم من خیر تجدوه عن الله هو خیرا واعظم اجرا واستغفروا الله ان الله غفور رحیم». بعد از آن ۱۰۰ مرتبه گفته شود: «استغفر الله» و استغفار آخر این گونه گفته شود: «استغفر الله العظیم الذی لا اله الا هو الحی القيوم واتوب الیه»؛ پس یک مرتبه این آیه خوانده شود: «ان الله وملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین امنوا صلوا علیه وسلموا تسلیما»؛ پس از آن

۱۰۰ مرتبه گفته شود: «اللهم صلی علی سیدنا محمد عبدک ورسولک النبی الامی وعلی اله وصحبه وسلم» و آخرین این صلوات این گونه گفته شود: «اللهم صلی علی سیدنا محمد عبدک و رسولک النبی الامی و علی اله و صحبه وسلم تسلیما کثیرا». بعد از این یک مرتبه گفته شود: «شهد الله انه لا اله الا هو و الملائکة و اولو العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحکیم ان الدین عند الله الاسلام»؛ سپس ۱۰۰ مرتبه گفته شود: «لا اله الا الله وحده لا شریک له، له الملك و له الحمد و هو علی کل شیء قدير» و با این ذکر آن را به اتمام می‌رسانی: «لا اله الا الله محمد رسول الله»؛ سپس سوره اخلاص با بسملة خوانده شود؛ پس از آن گفته شود: سبحان ربک رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین. در پایان نیز سوره فاتحه خوانده شود، برای شیوخ سلسله از حال تا زمان رسول الله و نیز تا روز قیامت و برای هرکه می‌پسندی و پس از دعا می‌کنی به آنچه خواستاری (المدنی، ۲۰۰۷م: ۳۱-۳۰).

چنان‌که در موضوع تعالیم عرفانی و دستورات طریقتی علاویه بیان شد، شیخ احمد علوی نه در مبانی نظری و نه در دستورات سلوکی، طریقت خود را ملزم به تبعیت از طریقت شاذلیه نمی‌داند و دیگر سخنی از طریق شکر و سلوک محبتی شیخ ابوالحسن شاذلی در میان نیست. اذکار و اوراد علوی نیز در مقایسه با سلسله شاذلیه تفاوت‌های زیادی دارد و این مسئله به‌خوبی نشان می‌دهد که از مبانی شاذلیه عدول کرده است (نک: خسروشاهی، ۱۳۹۶: ۷۰-۹۴).

۶. علاویه در عصر حاضر

طریقت علاویه پس از تأسیس، مورد توجه و اقبال صوفیان واقع شد و زمانی نگذشت که زوایا و تکایای این طریقت در بلاد مختلف گسترش یافت. در اینجا به مهم‌ترین زوایای علاویه و نیز مشایخ علاویه در عصر حاضر اشاره می‌شود.

۱-۶. زوایای علاویه در الجزایر

زاویه تلمسان: این زاویه در نزدیکی مسجد سید زروق واقع شده است. از فعالیت‌های این زاویه می‌توان به تعلیم علومی چون فقه، نحو، قرآن و نیز جلسات و حلقه‌های ذکر

اشاره کرد؛ این زاویه در ابتدا به اشراف شیخ العربی الشوار اداره می‌شد. زاویه وهران: که محلی برای حلقات درس و ذکر است؛ این زاویه در ابتدا به اشراف سید حاج صالح بن مراد و برخی دیگر از فقرای طریقت اداره می‌شد. زاویه غلیزان: برگزاری نمازهای پنج‌گانه، تعلیم اطفال فقیر و حلقات درس و ذکر از فعالیت‌های این زاویه است؛ این زاویه در ابتدا به اشراف صالح بن مراد تلمسانی اداره می‌شد. زاویه الجزایر: این زاویه در بوزریعه و خارج از شهر واقع شده که در بنای قدیمی، این منطقه داخل شهر محسوب می‌شده است؛ این زاویه در ابتدا به رعایت عباس الجزیری التلمسانی اداره می‌شد. زاویه برج ابی‌عریبج: که به‌همت الشیخ سید الحسن ابن الجودی الازهری بنا و اداره می‌شد. شیخ فعلی آن نیز سید نصرالدین موهوب است (www.assoalawimaroc.com). زاویه جعافره: که به‌همت الشیخ عبدالرحمن بوعزیز القبائلی بنا شد. زاویه قبیلۀ عیاض: این زاویه در جنوب برج ابی‌عریبج واقع شده و به زاویه شیخ سعید بن المکی معروف و مشهور است. زاویه شهر خنشله: این زاویه عبارت بود از یک مسجد که برای حفظ قرآن، مذاکرات علمی و نیز ذکر و دعا مورد استفاده قرار می‌گرفت و در ابتدا به اشراف شیخ محمد بن دعاس اداره می‌شد. زاویه بنی‌یعلی: این زاویه در ابتدا به مدیریت شیخ حاج هاشمی بوعمامه اداره می‌شد و محیطی برای علم‌آموزی و کسب معنویت به شمار می‌آمد. زاویه شهر عنابه: که در خارج از شهر واقع بود و نمازهای جماعت در آن اقامه می‌شد؛ این زاویه در ابتدا به مدیریت شیخ حاج حسن اداره می‌شد. زاویه الکبری مستغانم: که شامل یازده زاویه می‌شد. شیخ فعلی این زاویه حاج بنعوده بن تونس است.

۲-۶. زوایای علاویه در مغرب

زاویه شهر تطوان: این زاویه در ابتدا به اشراف مختار بن الحاج عبدالقادر اداره می‌شد؛ شیخ فعلی این زاویه سید البویحیاوی احمد است (www.assoalawimaroc.com). زاویه شهر طنجه: این زاویه در ابتدا به اشراف سیدی محمد بن الحاج احمد تای تای اداره می‌شد؛ شیخ فعلی این زاویه سید الحسن الیسینی است. زاویه شهر سبته: این زاویه در ابتدا به رعایت ولی‌الله محمد الضوء اداره می‌شد. زاویه علاویه درقاویه شاذلیه

شهر عرائش: شیخ فعلی این زاویه سید الشرکی حسن است. زاویه شهر فاس: این زاویه در ابتدا به اشراف سیدی الحاج عمر اللبار اداره می‌شد. زاویه علاویه درقاویه شاذلیه شهر قصر الکبیر: شیخ فعلی این زاویه سید احمد الیوسفی است. زاویه شهر دارالشاوی: شیخ این زاویه سید محمد العربی الزلال است (همان).

۷. زوایای علاویه در دیگر بلاد اسلامی

زوایای علاویه در تونس؛ زاویه ساحل تونس: این زاویه در ابتدا به اشراف مرشد کامل محمد المدنی القصبی اداره می‌شد. زاویه علاویه در میناء عدن: این طریقت در حوالی سال ۱۳۳۸ق به دست حاج سعید سیف الذبحانی وارد عدن شد. زاویه شهر پاریس: از چگونگی اداره این زاویه و شیخ آن اطلاعاتی در دست نیست. زاویه شهر هلند: این زاویه در شهر لاهای واقع شده است و تحت اشراف عبدالله علی الحکیمی اداره می‌شد. زاویه شهر کاردیف: در انگلیس واقع شده است و در ابتدا به رعایت شیخ حسن اسماعیل اداره می‌شد. زاویه شهر دمشق: این زاویه در ابتدا به اشراف شیخ محمد بن هاشمی بن عبدالرحمن اداره می‌شد. زاویه یافا: این زاویه در قدس شریف بوده و به دست شیخ الحاج مصطفی عبدالسلام الفلالی تأسیس شد. زاویه شهر غزه: این زاویه به دست محمد بن عمیمور الهلالی الجزایری الازهری ایجاد شد. زاویه روستای فالجی (واقع در شرق غزه هاشم): این زاویه در ابتدا تحت اشراف حسین بن محمد بن سلیمان اداره می‌شد. زاویه آدیس ابابا: در بلاد حبشه به همت شیخ علی بن محمد السقاف بنا شد (برای مطالعه بیشتر نک: شیخ عدده بن تونس، بی تا: ۱۰۵-۱۳۵). زاویه علاویه درقاویه شاذلیه در شهر پاریس: این زاویه توسط حاج سهلی بن ثابت اداره می‌شود (www.assoalawimarc.com). زاویه علاویه در شهر تولز فرانسه: این زاویه توسط حاج المهدی و علی اداره می‌شود. زاویه علاویه سوئیس: این زاویه توسط سید حسن اداره می‌شود. زاویه علاویه یمن: این زاویه توسط شیخ محمد سعید بن عبدالجبار اداره می‌شود (همان).

۸. سلسله علاویه و انشعاب مریمیه

مریمیه یکی از مهم‌ترین انشعابات طریقت علاویه است. فریتيوف شوآن^۲ که تازه به

اسلام مشرف شده بود، پس از ارشاد و راهنمایی استادش رنه گنون^۳ راهی آفریقا شد و در دیدار با شیخ احمد العلاوی به شاذلیه علاویه پیوست. او پس از این خود را موظف به تأسیس سلسله‌ای دانست که بعدها نام «مریمیه» بر آن نهاد. شوآن که امروزه با القابی همچون اندیشمند حکیم، فیلسوف، نقاش و شاعر اسلام‌شناس و دین‌شناس معاصر شناخته می‌شود، در سال ۱۹۰۷م در بازل سوئیس به دنیا آمد. پدرش به موسیقی علاقه‌مند بود و به نواختن ویولون شهرت داشت. او پس از مرگ پدرش و در سن سیزده‌سالگی به همراه مادر و برادرش به مولهاوزن فرانسه مهاجرت کرد و تابعیت فرانسوی گرفت. وی از همان دوران نوجوانی به متافیزیک و خواندن کتب ادیان الهی چون اوپانیساد، بهگود گیتا و قرآن علاقه زیادی نشان می‌داد. شوآن در مدت‌زمان حیات خود در مولهاوزن با آثار فیلسوفانی چون رنه گنون آشنا و پس از اتمام دوران سربازی‌اش در ارتش فرانسه راهی پاریس شد. او در ادامه ارتباط خود با گنون و پیشنهاد وی برای پذیرش تصوف در سال ۱۹۳۲م مسلمان شد و پس از آن به تصوف روی آورد (Sedgwick, 2004: 84).

ورود او به پاریس، گونه‌ای دیگر از تحولات را برای او رقم زد. شوآن زبان عربی را فراگرفت و آشنایی او با هنرهای سنتی مشرق‌زمین، زمینه دیدارش را با شیخ احمد العلاوی فراهم آورد. وی در سال ۱۹۳۲م به الجزایر و در ۱۹۳۵م به مراکش و در بین سال‌های ۱۹۳۸ و ۱۹۳۹ میلادی به مصر عزیمت کرد. سفر به مصر موجبات آشنایی او و دیدار با رنه گنون را فراهم و این ارتباط بیست سال ادامه پیدا کرد. شوآن پس از آن با اخذ ملیت سوئیسی، آنجا را برای سکونت انتخاب و در آن ساکن شد.

وی همچنین در سال ۱۹۴۹م با زنی سوئیسی - آلمانی که علاقه وافری به نقاشی و ماوراءالطبیعه داشت، ازدواج کرد. در این دوران وی به اتفاق همسرش به آندلس و مغرب سفر و به ایالات متحده مهاجرت کرد و در سال ۱۹۹۸مدر آنجا درگذشت.

۷-۱. شوآن و تصوف

آشنایی شوآن با گنون موجبات ورود او به تصوف را فراهم کرد. شوآن در سال ۱۹۳۳م

به دیدار شیخ احمد العلاوی رفت و در آنجا به علاوئیه شاذلیه پیوست؛ ولی به دلیل بیماری و کهولت، بیشتر با مشایخ سلسله شاذلیه همچون شیخ عدّه بن تونس محشور شد. گرچه شوآن اسلام و تصوف را اختیار کرده بود، علاقه وافری به مسیحیت و نیز آموزه‌های ادیان الهی نشان می‌داد و پیوسته به مطالعه در این باره می‌پرداخت. او در این ایام مقالاتی درباره وحدت بنیادین مسیحیت، اسلام و یهودیت نگاشت که به‌خوبی نشانگر علاقه و گرایش‌ها فکری او بود. شوآن با وفات شیخ احمد العلاوی چنان‌که در زندگی‌نامه دست‌نوشته خود می‌نویسد، مدعی شد که طی الهامی موظف به هدایت پیروان طریقت شده است (Sedgwick, 2004: 87). وی به این پشتوانه و نیز اجازه ارشادی که از شیخ عدّه بن تونس دریافت کرد، رسماً سلسله خود را پایه‌گذاری کرد.

اولین فعالیت شوآن در زمینه تصوف را می‌توان مربوط به زمان اقامت وی در شهر «بال سوئیس» دانست. شوآن در سال ۱۹۳۴م با ایجاد حلقه‌ای که در آن کتب رنه گون خوانده می‌شد، زمینه تأسیس مریمیه را فراهم آورد. او در این دوران فقط ۲۷ سال داشت. هارالد فن مینبرگ و تیتوس بوکهارت را می‌توان اولین کسانی دانست که به فرقه شوآن پیوستند (Ibid: 91). جلسات و حلقه‌های ذکر او گاهی اوقات تا هشت ساعت به طول می‌انجامید؛ ابتدا در آپارتمان او تشکیل می‌شد و بعدها به ساختمانی در حاشیه رود راین منتقل شد (Ibid: 89-90).

از شوآن آثار، کتب و نیز مقالاتی متعددی بر جای ماند که مهم‌ترین این آثار عبارت‌اند از: *وحدت متعالی ادیان* (۱۹۵۳م)، *حقیقت آدمی و گستره معنوی* (۱۹۵۴م)، *عرفان دانش ابدی است* (۱۹۵۹م)، *زیان خود* (۱۹۵۹م)، *مقام حکمت* (۱۹۶۱م)، *شناخت اسلام* (۱۹۶۳م)، *پرتوی بر جهان‌های باستان* (۱۹۶۶م)، *گنج‌های بودا* (۱۹۶۸م)، *منطق و تعالی* (۱۹۷۵م)، *فلسفه اسلامی* (۱۹۷۶م)، *ابعاد اسلام* (۱۹۶۴م)، *سنت‌گرایی* (۱۹۸۱م)، *راه و مرام اخلاقی در اسلام* (۱۹۸۹م)، *نژادها و طبقات* (۱۹۵۹م)، *گوهر و صدف عرفان اسلامی* (۱۹۸۱م)، *از خلد تا انسان* (۱۹۸۲م)، *مسیحیت و اسلام* (۱۹۸۸م)، *نگاهی به چهره حقیقت* (۱۹۸۹م)، *خورشید پرده‌دار*

(۱۹۹۰م)، متافیزیک و سنت‌گرایی (۱۹۸۶م)، ریشه‌های وضع انسان (۱۹۹۲م)، زیبایی‌عرفان (۱۹۹۲م)، حکمت خالده (۱۹۹۲م)، نمایشنامه نقاب‌ها (۱۹۹۲م)، راهی به قلب (۱۹۹۵م)، تغییر آدمی (۱۹۹۵م)، چشم دل (۱۹۹۷م)، آهنگی برای زائر مقدس (۲۰۰۲م) و تطبیق و قیاس ادیان (۲۰۰۲م).

۲-۷. مشایخ و اساتید شوآن

یکی از تأثیرگذارترین اساتید شوآن در آراء و اندیشه‌های سنت‌گرایانه وی رنه گنون است. همان‌گونه که پیش از این گفته شد، گنون اولین کسی بود که شوآن را به تصوف دعوت کرد و در تمامی مراحل حیات خود به‌استثنای اواخر زندگی‌اش از وی تمجید و تعریف فراوان داشت و تازه‌مسلمانان و تشنگان معنویت را به ارجاع می‌داد.^۴

گنون در ۱۵ نوامبر ۱۸۸۶ در شهر بلوئا در ۱۶۰ کیلومتری پاریس به دنیا آمد (لینگز، ۱۳۶۰: ۷۶). پدرش معمار بود. تحصیلات اولیه را در زادگاهش سپری کرد. وی در ۱۹۰۴ به پاریس رفت و به مطالعه در حوزه ریاضیات و سپس فلسفه پرداخت. وی در جوانی جذب چندین انجمن نهان‌گرا شد و با افرادی چون لئون شامپرنو که با تصوف و عرفان اسلامی آشنایی داشت محشور بود. گنون پس از آشنایی بیشتر با آموزه‌های شرقی، محافل نهان‌گرای پاریس را که در غالب جنبش فراماسونری و انجمن تنوسفی انجام می‌شد ترک گفت. وی در سال ۱۹۱۲م به دین اسلام مشرف شد و نام عبدالوحید یحیی را برای خود برگزید. گنون در حقیقت اسلام را با طریقت شاذلیه و رهبری شیخ عبدالرحمن علیش دریافت نمود.

وی در سال ۱۹۳۰م پس از مرگ همسر فرانسوی‌اش، رهسپار مصر شد و تا پایان عمرش در قاهره ماند (همان: ۸۲). او در مصر ازدواج کرد و صاحب دو دختر و دو پسر شد. گنون با مراجع برجسته مصر ارتباط نزدیکی داشت که شیخ عبدالحلیم محمد (شیخ الازهر) از جمله آنان بود. این ارتباط و سیره شخصی گنون موجب ایجاد جایگاهی بلند برای او شده بود. مارتین لینگز در این باره می‌نویسد: گنون تقریباً هرگز بیرون نمی‌رفت... من تنها یک بار با او بیرون رفتم. به دیدن مسجد سیدنا حسین

نزدیک الازهر رفتیم. توجه به حضور او در مسجد و برخورد احترام‌آمیزی که مردم با او می‌کردند فراوان بود. هنگام ورود او به مسجد از همه گوشه‌ها صدای صلوات برخاست (MartinLings, 1994: 76).

سجویک زندگی گنون را به سه دوره تقسیم می‌کند: اول، دوران رازورزی یعنی دورانی که گنون دل‌بسته تئوسوفیسم و آیین‌های رازورانه غربی چون اسپیریتوالیسم است؛ دوم، دوران پیوند با کلیسای کاتولیک؛ سوم، دوران اسلامی یعنی از سال ۱۹۳۰م تا پایان عمر که گنون در قاهره و در کسوت مسلمان می‌زیست (Sedgwick, 2004: 39).

گنون سرانجام در ۷ ژانویه ۱۹۵۱م پس از طی یک دوره بیماری درگذشت و مطابق با شعایر اسلامی در یکی از قبرستان‌های مسلمانان در اطراف قاهره دفن شد.

از وی ۲۹ کتاب و حدود ۵۰۰ مقاله برجای مانده است که مهم‌ترین این کتب عبارت‌اند از: مقدمه عمومی بر مطالعات آیین هندو (۱۹۲۱م)، شرق و غرب (۱۹۲۴م)، بحران جهان مدرن (۱۹۲۷م)، سیطره و علائم آخرالزمان (۱۹۴۵م)، تئوسوفی: تاریخ شبه دین (۱۹۲۱م)، فریب اسپیریتوالیست (۱۹۲۳م).

شوآن از شیخ احمد العلاوی نیز به‌عنوان یکی از مشایخ خود در طریقت یاد کرده است. پیش از این گفتیم که وی در اواخر عمر علاوی به دیدار او رسید و این در حالی بود که علاوی در بستر بیماری به سر می‌برد. با توجه به تعالیم صوفیان باید گفت که صرف دیدار شوآن و احمد العلاوی که آن‌هم مدت زیادی به طول نینجامید، نمی‌توان علاوی را از مشایخ ایشان برشمرد؛ اما شوآن پس از مرگ علاوی مدعی خلافت و جانشینی علاوی شد و طریقت مریمیه را بنا نهاد.

وی سرانجام در پنجم مه ۱۹۹۸م درگذشت و شاگردانش مارتین لینکز، تیتوس بورکهارت و سید حسین نصر، زمام طریقت مریمیه را یکی پس از دیگری بر عهده گرفتند. این طریقت در ایران هم از پیروان اندکی برخوردار است و از مهم‌ترین اندیشه‌های ایشان می‌توان به «حکمت خالده» و «وحدت متعالی ادیان» (نصر، ۱۳۸۲:

(۱۲۲) اشاره کرد.

۸. نتیجه‌گیری

نظر به آنچه گفته شد، باید گفت که طریقت علاویه یکی از فعال‌ترین انشعابات شاذلیه است که با الهام از اندیشه‌های مشایخ خود به ترویج تصوف در غرب نیز پرداخته است. علاویه همچون بسیاری از سلاسل صوفیه، کرسی‌نامه طریقتی خود را به امام علی (ع) و از ایشان به نبی اکرم (ص) می‌رساند. برخی از این تعالیم عبارت‌اند از: تبعیت از کتاب و سنت و نیز سیره خلفا راشدین، تهذیب و تربیت نفوس، آزادی از قیودات شیطان و هوای نفس و توجه به عشق و محبت و صداقت در سلوک عرفانی. علاویه در عصر حاضر نیز مورد استقبال کثیری از مسلمانان واقع شده و انشعابات متعددی پیدا کرده که مریمیه از مهم‌ترین آنهاست؛ اما مسئله ارتباط معنوی و وصایت هر دو طریقت یعنی علاویه همواره از ایرادات آنها بوده است. شیخ احمد علوی طریقت خود را به واسطه یک رؤیا بنا نهاد و شوآن نیز که فقط یکی دو بار با شیخ احمد علوی ملاقات داشت، پس از مرگ او مدعی وصایت شد. این ایراد در مریمیه به شکل نمایان‌تری دیده می‌شود؛ زیرا زندگی و تمایلات شخصی شوآن موجب ترد او از ناحیه رنه گنون شد و نیز عدم پابندی او به اولیات اسلام و برهنه‌پوشی او در اواخر عمرش، موجبات سرزنش وی را فراهم آورده است. شاگردان و منسوبان این طریقت نیز تمام سعی و تلاش خود را به کار بسته‌اند که این رفتارها را به تمایلات شخصی او نسبت داده و از جنبه‌های صوفیانه‌اش جدا کنند که البته تلاشی بی‌فایده است؛ چراکه کردار او با روح تصوف که آمیخته با شریعت باوری است تضاد واقعی دارد. از طرفی دیگر می‌توان گفت: سلسله علاویه با ظهور شوآن و تأسیس «مریمیه» دستخوش تغییرات عقیدتی و معرفتی شده و بر این اساس سلسله‌ای سنی‌مذهب پیروانی شیعی پیدا کرده است. این تغییرات، ریشه در حکمت خالده‌ای دارد که نقش شریعت در معرفت را ناچیز و تنوع شرایع را امری صوری برای رسیدن به قله وحدت می‌داند.

پی‌نوشت‌ها

۱. عیساویه یا عیسویه یکی از شاخه‌های جزولیه و منسوب به محمد بن عیسی فهدی (متوفی ۹۳۱/۱۵۲۵)، صوفی مراکشی است. عیساویه به زیارت قبور شیوخ و سماع اهمیت می‌دادند، ولی علمای دینی با آنان مخالف بودند و آنان را عامل انحطاط اسلام در شمال آفریقا می‌دانستند (حداد عادل، ۱۳۷۵: ذیل عنوان محمد جزولی).

2. Frithjof Schuon (1907-1998)

3. René Guénon

۴. گنون در اواخر عمرش به سبب گزارش‌هایی که از نوع فعالیت‌ها و عقاید شوآن مبنی بر تساهل و تسامح در شریعت به او می‌رسید، از حمایت او سرباز زد و به تکذیب آراء او پرداخت. زوایای پنهان دیگری نیز در زندگی شوآن وجود دارد که انجام آیین سرخ‌پوستی و ازدواج طولی و عرضی از جمله آن‌هاست (نک: شهبازی، ۱۳۹۳: ۱۰۳-۱۲۴).

منابع

۱. ابن‌ابی‌جمهور، محمد بن زین‌الدین (۴۰۵ق)، *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، قم: دار سید الشهداء للنشر.
۲. ابن‌ماجه، عبدالله بن عباس (بی‌تا)، *سنن ابن‌ماجه*، ریاض: مکتبة المعارف للنشر و التوزیع.
۳. شیخ‌عدة بن تونس (بی‌تا)، *روضه السنیة*، مستغانم: مطبعة العلویة.
۴. العلاوی، احمد (۱۸۶۹-۱۹۳۴م)، *المنح القدوسیه فی شرح المرشد المعین بطریق الصوفیه*، مستغانم: مطبعة العلاویه.
۵. _____ (۱۹۹۴م)، *المواد الغیثیه الناشئة عن الحکم الغوثیه*، شماره ثبت‌شده ۲۴۶۰/۸۷، مستغانم: المطبعة العلاویه.
۶. العلوی، احمد (بی‌تا)، *مبادی تائید فیما یحتاج الیه المرید*، طبع الثانی، مستغانم: المطبعة العلاویه.
۷. _____ (بی‌تا)، *مناجات علوی*، بی‌جا: جمعیت علاویه. این کتاب به صورت pdf بوده و نزد نویسنده موجود است.
۸. ابراهیم، علیرضا (بی‌تا)، «درقاویه» در *دانشنامه بزرگ اسلامی*، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۹. باقر، علیرضا (بی‌تا)، «شاذلیه» در *دانشنامه بزرگ اسلامی*، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۱۰. حداد عادل، غلامعلی (۱۳۷۵)، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.

۱۱. خسروشاهی، مرتضی (۱۳۹۶)، *سیر تطور شاذلیه از آغاز تاکنون*، پایان‌نامه دکتری تصوف و عرفان اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب قم، استاد راهنما: محمدجواد شمس.
۱۲. خسروشاهی، مرتضی (۱۴۰۱)، *شاذلیه؛ تاریخ و عقاید*، قم: نشر ادیان.
۱۳. القادری، حسن بن عبدالعزیز (بی‌تا)، *ارشاد الراغبین*، به نقل از شیخ عدة بن تونس، *روضه السنیه*، مستغانم: مطبعة العلویة.
۱۴. لاشیء، حسین (بی‌تا)، «ابن علیوة» در *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۱۵. شهبازی، عبدالله، *مریمیه؛ از فریتیوف شوآن تا سید حسین نصر*، تهران: مؤسسه تیسسا ساغر مهر، تهران، ۱۳۹۳.
۱۶. لینگز، مارتین (۱۳۶۰)، *عارفی از الجزایر*، ترجمه نصرالله پورجوادی، تهران: مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها.
۱۷. — (۱۹۷۳م)، *الشیخ احمد العلوی*، بیروت-لبنان: دار الکتب الجدید.
۱۸. مدنی، شیخ محمد (۲۰۰۷م)، *برهان الذاکرین*، تحقیق بدری المدنی، ج ۳، بی‌جا: بی‌نا.
۱۹. مستغفری، جعفر بن محمد (۱۳۸۵ق)، *طب النبی صلی الله علیه و آله و سلم*، نجف: مکتبه الحیدریة.
۲۰. میرشکاک، یوسفعلی (۱۳۹۲-۱۳۹۳)، «تأملی در ستیز سجویک‌ها با فراهش» *سوره اندیشه*، شماره ۷۴-۷۵: ۳۱۸-۳۱۶.
۲۱. نصر، سیدحسین (۱۳۸۲)، *نیاز به علم مقدس*، ترجمه حسن میاننداری، ج ۲، قم: طه.
22. Sedgwick , *Against the Modern World*. ۲۰۰۴
23. Martin Lings Ahmad al-Alawi.
24. <http://www.assoalawimarc.com/index.php?news=330>. ۱۳۹۵/۰۲/۱۹
25. <http://www.assoalawimarc.com/index.php?news=53>. ۱۳۹۵/۰۲/۱۹
26. <http://www.assoalawimarc.com/index.php?news=226>. ۱۳۹۵/۰۲/۱۹
27. <http://www.assoalawimarc.com/index.php?news=79>. ۱۳۹۵/۰۲/۱۹
28. <http://www.assoalawimarc.com/index.php?news=219>. ۱۳۹۵/۰۲/۱۹
29. <http://www.assoalawimarc.com/index.php?news=223>. ۱۳۹۵/۰۲/۱۹
30. <http://www.assoalawimarc.com/index.php?news=222>. ۱۳۹۵/۰۲/۱۹
31. <http://www.assoalawimarc.com/index.php?news=556>. ۱۳۹۵/۰۲/۱۹
32. <http://www.assoalawimarc.com/index.php?news=203>. ۱۳۹۵/۰۲/۱۹
33. <http://www.assoalawimarc.com/index.php?news=81>. ۱۳۹۵/۰۲/۱۹
34. <http://www.assoalawimarc.com/index.php?news=329>. ۱۳۹۵/۰۲/۱۹

35. <http://www.sheikhkhalaf.com/?p=461>.۱۳۹۵/۰۲/۱۹
36. <http://www.alawiya.ma/index.php?option>.۱۳۹۵/۰۲/۱۹

